

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

یکی از آیات شریفه‌ای که بر حسب یک احتمال و یک نظر مربوط به علائم قیامت است و مربوط به اشراف الساعه است آیه 10 و 11 سوره مبارکه دخان است که می‌فرماید « فَأَرْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ (10) يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (11) » خطاب می‌فرماید به رسول خدا(ص) که منتظر باش روزی که تأتی السماء بدخان مبین، خود آسمان یک دخان و دود آشکاری را می‌آورد و همه مردم را فرا می‌گیرد که خود این یک عذاب دردناکی است.

دخان:

در اینکه مراد از این دخان چیست؟ مجموعاً در تفاسیر چهار احتمال داده شده؛ یک احتمال که می‌توانیم بگوئیم کثیری از علمای اهل سنت این احتمال را پذیرفتند، افرادی مثل آلوسی در روح المعانی و آنطوری که آلوسی نقل می‌کند به طرق متعددی روایات از اهل سنت وارد شده این است که مراد از این دخان آن علامت قبل از قیامت نیست، بلکه یک عذابی بوده که رسول خدا(ص) بعد از آنکه دید هر چه مردم را هدایت می‌کند اینها نمی‌پذیرند و اسلام را قبول نمی‌کنند، رسول خدا(ص) علیه امت خودش نفرین فرمود و نفرین‌شان این بود که به خدا عرض کرد که همان هفت سالی که گرسنگی و قحطی در زمان حضرت یوسف واقع شد، همان هفت سال را هم در اینجا قرار بدهید که مسئله هم واقع شد و طوری سنه‌ی گرسنگی بر عامه ایجاد شد که مردم هیچ نداشتند و برای خوراک می‌رفتند از جلود حیوانات، از میته، از استخوان‌های حیوانات استفاده می‌کردند. بعد به رسول خدا(ص) عرض کرد، شما که پیامبر رحمت هستید این چه نفرینی است که کردید؟ دوباره رسول خدا(ص) دعا فرمودید و هفت شبانه روز باران بارید به طوری که مردم باز شکایت کردند از کثرت مطر، می‌گویند یک چنین قضیه‌ای در زمان رسول خدا(ص) واقع شده.

وقتی به کتب اهل سنت هم مراجعه می‌کنیم در تفاسیرشان روایات متعددی که روی مبانی خودشان هم بعضی از این روایات صحیح است، بر این موضوع نقل شده. مثلاً در بعضی از این کتاب‌ها آمده «روی بطرق کثیرة عن ابن مسعود، أخرج احمد بخاری» هم در مسند احمد و هم در مسند بخاری آمده که «جاء رجلٌ إلى عبدالله» مردی آمد پیش عبدالله (که مراد عبدالله بن مسعود است) «فقال إني تركت رجلاً في المسجد» می‌گوید من که پیش شما آمدم در مسجد قبلاً پیش مردی بودم «يقول في هذه الآية يوم تأتي السماء بدخان يغشى الناس يوم القيامة بدخان» گفته مقصود از دخان، دخان در روز قیامت است «فياخذ بأسماء المنافقين و أمثالهم» روز قیامت این دخان داخل چای منافقین و چشم‌های آنها می‌شود «و يأخذ مؤمن منه كهيئة الزكام» مؤمن در اثر دخان روز قیامت یک حالتی مثل حالت زکام پیدا می‌کند «فغضب!» عبدالله بن مسعود از این مطلبی که شنید که یک مردی دخان را به دخان روز قیامت معنا کرده غضب کرد «و كان متكأ فجلس» نشست «قال اگر کسی یک چیزی می‌داند بگوید «و من لم يكن يعلم فليقل الله تعالى اعلم» آنکه نمی‌داند بگوید خدا اعلم است «فإن من العلم أن يقول لما لا يعلم الله تعالى اعلم» یک قسمتی از علم این است که آنچه را که انسان نمی‌داند اقرار کند که خدا عالم است، بعد گفت من از قضیه‌ی دخان

شما را خبردار می‌کنم که دخان چیست؟ «إِنْ قَرِيشًا اسْتَسْعَبَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ» قریش خیلی مقابل رسول خدا(ص) مقاومت کردند و کُندی نشان داد برای اسلام، آن وقت پیامبر فرمود «اللَّهُمَّ أَعْنِي عَلَيْهِمْ بِسَبْعِ كَسْبَعِ يَوْسُفَ» نفرین فرمود که همان هفت سالی که به عنوان قحطی در زمان یوسف به وجود آمد بر سر این مردم هم بیاید «فَأَصَابَهُمْ قَحْطٌ وَ جَهْدٌ حَتَّى أَكَلُوا الْعِظَامَ» اینقدر گرسنگی زیاد شد که استخوانها را می‌خوردند «فَجَعَلَ الرَّجُلُ يَنْظُرُ إِلَى السَّمَاءِ فَيَرَى مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُمْ كَهَيْئَةِ الدَّخَانِ» اینقدر مردم گرسنه بودند که کسی که نگاه به آسمان می‌کرد انگار یک دودی جلوی چشمش را فرا گرفته بود، طبیعی است کسی که گرسنه است چشمش ضعیف می‌شود؟؟؟ «فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ» خدا نازل فرمود «فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ اسْتَغْنِ اللَّهُ تَعَالَى» بعد آمدند تقاضا کردند از رسول خدا(ص) که برای قوم موذر، قومی بوده که از اقوام پیامبر در آن بوده، طلب استسقاء کن «فَاسْتَغْنَى لَكُمْ عَلَيْهِ» بعد باران آمد، آیه آمد «إِنَّا كَاشَفْنَا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ»... باز در یک روایت دیگر دارد ابو سفیان و گروهی از اهل مکه آمدند گفتند «يَا مُحَمَّدُ إِنَّكَ تَزْعُمُ أَنَّكَ قَدْ بَعَثْتَ رَحْمَةً» شما خودت می‌گویی من به عنوان پیامبر رحمت «وَأَنْ قَوْمَكَ قَدْ هَلَكُوا» اما اقوام تو دارند از بین می‌روند بعد «فَدَعَا اللَّهُ تَعَالَى» از خدا بخواه، در ادامه دارد که پیامبر دعا کرد باران آمد و اینقدر باران آمد که مردم از کثرت مطر باز شکایت کردند. آلوسی در روح المعانی این قضیه را نقل می‌کند.

البته در کتب تفسیری شیعه هم به عنوان یک احتمال ذکر شده، خود مرحوم شیخ طوسی در تبیان^[1] اولین احتمالی که نقل می‌کند همین است، می‌گوید «وَالدَّخَانُ» می‌خواهد دخان را تفسیر کرده «الظُّلُمَةُ الَّتِي كَانَتْ تَغْشَى أَبْصَارَ الْمُشْرِكِينَ» همان سیاهی که ابصار مشرکین را فرا گرفت «مِنْ قَرِيشٍ» لشدة الجوع و حین دعا عليهم النبی» آن وقت شیخ می‌فرماید این حرف را ابن مسعود می‌گوید، ضحاک می‌گوید، راجع به همین تفسیر دخان به سال گرسنگی. قتاده، ابی العالیه، نخعی، ضحاک، مجاهد، مقاتل و عده‌ی زیادی از روایات و علمای اهل سنت این را بیان کردند و پذیرفتند.

آن وقت سؤال این است که آنها که می‌آیند اینطور معنا می‌کنند می‌گوئیم دخان به چه معناست؟ معنایش این نیست که واقعاً دودی گرفته باشد، اینها در اثر گرسنگی لضعف البصر می‌بینند تخیل می‌کنند که یک دودی بین اینها و آسمان قرار گرفته، گرسنه بین خودش و آسمان را کهیئة الدخان می‌بیند. آلوسی می‌گوید فاطلاق الدخان علی ذلک المرئی باعتبار أَنَّ الرَّاعِيَ يَتَوَهَّمُ دَخَانَ، چون راعی يتوهم می‌کند که این دخان است، لذا به مرعی عنوان دخان اطلاق شده. پس روی این تفسیر استعمال دخان یک استعمال مجازی است، آلوسی وقتی نقل می‌کند، اقوال را نقل می‌کند که الاظهر حمل الدخان علی ما روی ابن مسعود اولاً لأنه عن صلب السياق می‌گوید چون آیات قبل مربوط به قریش است و بیان سوء حال آنها است و سیاق اقتضا می‌کند که ما حمل بر همین معنا کنیم، آن وقت روی این معنا اولاً دخان در معنای مجازی استعمال می‌شود، یغشی الناس مراد همه‌ی مردم نیست، همان مردم در همان سرزمین حجاز و آن هم در یک بخشی است، نمی‌توانیم بگوئیم مراد همه‌ی مردم است! این طبق معنای اول.

انتهایی که یوم تأتی السماء بدخان را اینطور می‌گویند، این آیه 15 «يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى» می‌گویند طبق این بیان بطش‌ه‌ی کبری همان قضیه جنگ بدر است، می‌گویند قبلاً اتفاق افتاد و بطش یعنی اخذ مع القدره، گرفتن یک چیز با قدرت، گرفتن افراد برای مجازات، اگر یک کسی را بگیرند که بخواهند مجازات کنند این را تعبیر به بطش می‌کنند، اینهایی که دخان را اینطور معنا می‌کنند این آیه «يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنْتَقِمُونَ» را هم حمل بر جنگ بدر کردند و باز اینها یک مؤیدی برای خودشان می‌آورند، مؤیدشان این است که می‌گویند عرب به شرّ غالب، دخان می‌گوید. این در کلمات فخر رازی آمده، در کلمات آلوسی هم یک جایی به آن اشاره شده، عرب یک شرّ غالب را تعبیر به دخان می‌کند، می‌گویند اینجا هم خدای تبارک و تعالی روی همین اصطلاح رایج در عرب این را فرموده.

اینهایی که مسئله دخان را می‌گویند باز دو گروه می‌شوند، یک گروه می‌گویند قضیه همین است که پیامبر دید قریش دارند خیلی در مقاومت اسلام مقاومت می‌کنند و نفرین فرمود، قول دیگر اینکه می‌گویند مراد از دخان روز فتح مکه است، یوم تأتی السماء بدخان مبین مراد روز فتح مکه است. بیان‌شان این است که روایتی دارند؛ «ابن ابی حاتم عن عبدالرحمن الاعرج أنه قال فی هذا الدخان كان فی یوم فتح مکه، یوم تأتی السماء و هو یوم فتح مکه لما حجة السماء القبره» چون آسمان را غبار فرا گرفته بود،

از ابو هريره هم همين مطلب نقل شده، آلوسی میگوید طبق این قول باید بگوئیم دخان کنایه است «أما حلّ بأهل مکه فی ذلک اليوم من الخوف و الظل و نحوهما» بگوئیم این کنایه از آن خوف و ذلّتی است که برای اهل مکه در آن روز واقع شد. پس دخانی‌ها دو گروهند. بعضی از سنی‌ها هم گفتند چه اشکالی دارد بگوئیم هر دو بوده و آیه اشاره به هر دو تا دارد و از خود ابن مسعود هم یک روایتی را نقل کردند که ابن مسعود مسئله‌ی هر دو را هم مطرح کرده.

بررسی و تحقیق در قول:

حالا ببینیم که آیا این تفسیر درست است یا درست نیست؟

اولاً اشکال اولش همان طور که خودشان گفتند این است که دخان در یک معنای مجازی استعمال شود و دخان حقیقی نیست، اینها در اثر گرسنگی و شدّت جوع تخیل می‌کنند که دخان وجود دارد، خود همین یک اشکال مهمی است و هیچ قرینه‌ای هم بر این معنا ندارند، این اشکال اول.

اشکال دوم این است که شما این وصف مبین را چکار می‌کنید؟ همین که ایشان هم اشاره فرمودند، آیه می‌فرماید «يوم تأتي السماء بدخان مبين» دخان مبین را که حمل بر تخیل نمی‌شود کرد! یعنی اینقدر این دخان آشکار است که همه دارند این را می‌بینند. این مبین یک قرینه خیلی روشنی است که این حرفی که اهل سنت زدند و روایاتی که دارند در این مورد درست نیست.

اشکال سوم اینکه «یغشی الناس» اگر یک گروهی آنجا باشند، بگوئیم اهل حجاز، یک قسمت کمی از مردم را فرا می‌گیرد در حالی که آیه می‌فرماید یغشی الناس.

اشکال چهارم این است که «هذا عذابُ الیم» دخان عذاب الیم است نه آن گرسنگی. اگر ما بخواهیم بگوئیم خیال می‌کنند دخان است و واقعاً دخانی وجود ندارد و عذاب مال گرسنگی شان است، باید بگویند همین گرسنگی عذاب مبین است، در حالی که وقتی این دخان را می‌بینند می‌گویند هذا عذابُ أليم، خود این دخان عذاب الیم است که بعضی از جزئیاتش را که در روایات ما وارد شده بیان کنیم که این دخان روی افراد کافر و مؤمن چه آثاری دارد که معلوم می‌شود این عذابُ أليم به چه نحوی است؟

اشکال پنجم اینکه آنچه معروف است و یکی از ممیّزات پیامبر خودمان نسبت به سایر انبیاء می‌دانیم این است که پیامبر ما اصلاً اهل نفرین نبوده، اینقدر مشکلات بر رسول خدا(ص) وارد شد، نهایتش این بود که پیامبر به خدا عرض می‌کرد که «اللهم عهد قوم فإنهم لا يعلمون» از ممیّزات و ویژگی‌های رسول خدا(ص) این بوده که نسبت به قومش نفرین نکرده و این چطور شده اینجا این روایات درست شده و من ظنّ قوی دارم بر اینکه ببینید مسئله‌ی یهود اصلاً اگر واقعاً تاریخ اسلام درست تحلیل شود یهود از همان اولی که پیامبر مسئله‌ی پیامبری‌اش مطرح شد شروع به توطئه کردند إلی زماننا هذا، هیچ زمانی نبوده که یهود دست از توطئه علیه اسلام بردارد آن وقت یکی از کارهایی که یهود کرد همین بوده که می‌گفتند از ویژگی‌های این پیامبر این است که این پیامبر رحمت است، اهل نفرین نیست و آمدند این چیزها را درست کردند و از این روایات این چنینی در کتب تفسیری و تاریخی اهل سنت فراوان است، برای اینکه مقام و منزلت رسول خدا(ص) را پایین بیاورند. پیامبر نفرین کرد، حالا این را هم بیایند یک طوری مجازاً بر این آیه تطبیق بدهند و با آن اثبات کنند پیامبر نفرین کرده و آن ویژگی اصلی رسول خدا(ص) را کنار بزنند و آیه را به نحوی تطبیق بدهند بر یک معنایی که گذشته.

یکی از کارهای دیگری که یهودی‌ها داشتند و دارند، بعضی از آنچه که در قرآن نسبت به علائم آخر الزمان آمده که ممکن است مردم آرام آرام آنها را ببینند، دنبال این بودند که بگویند این گذشته و تمام شده، مال قبل است. واقعاً هنوز کار هم نشده نسبت به این بُعد که اینها چه کردند و الآن چه دارند می‌کنند؟ پیامبر فرموده اللهم سنين کسنيين يوسف، یعنی همان هفت سالی که در زمان

یوسف به عنوان هفت سال گرسنگی قرار دادی الآن هم برای این مردم قرار بده، این هم اشکال پنجم است که مستلزم این است که بگوئیم پیامبر یک چنین نفرینی کرده. در حالی که از مسلمات تاریخ است که پیامبر نفرین نکرده، تاریخ نقل نکرده، حالا من نرسیدم تاریخ طبری و بعضی از تواریخ مفصل را ببینیم ولی ظاهر این است که به عنوان تاریخ مورخین نقل نکردند ولی در روایات تفسیری اینها آمده. پس این پنج اشکال مجموعاً متوجه این قول هست که نمی‌توانیم بیائیم این قول را بپذیریم و این احتمال کنار می‌رود ولو اینکه مثل آلوسی گفتند اظهر همین احتمال است ولی این احتمال درستی نیست.

می‌گویند هر چیزی که انسان را اذیت می‌کند دخان است، اینها تفسیرهای غیر صحیحی است که از معنای واقعی آیه دور می‌کند، این آیه می‌فرماید «یوم تأتی السماء بدخان» آسمان دخان می‌آورد، از آسمان هم دخان می‌آید، اینها می‌گویند زمین خشک می‌شود، از زمین یک چیزی مثل دخان می‌آید، پس باید بگویند تحت الأرض بدخان، چون وقتی اینطور شد که زمین خشک می‌شود و بخاراتی از زمین بلند می‌شود کهیئة الدخان، این باید بگویند یوم تأتی الأرض بدخان، در حالی که آیه می‌گوید خود آسمان دخان می‌آورد، یعنی از زمین هیچ خبری نیست و در زمین هیچ خبری وجود ندارد، دفعهٔ مردم نگاه می‌کنند می‌بینند در آسمان دخان و دود محقق می‌شود، یخشی الناس هذا عذابٌ علیم.

موضوع بحث آینده:

دو احتمال دیگر هست یکی اینکه آیا این مربوط به روز قیامت است یا اینکه مربوط به قبل از روز قیامت است که هفته آینده عرض می‌کنیم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين